



داکتر ضیا نظام

## ناقضان تعهدات بین‌المللی مستحق کرسی افغانستان در ملل متحد و رسمیت‌شناسی نیستند

سه سال بعد از تسلط طالبان بر افغانستان، مردم کشور با چالش‌های بزرگ روبرو اند و هر روز بر تعداد و عمق این چالش‌ها افزوده می‌شود. اقتصاد کشور ورشکسته‌تر از گذشته شده و حیات بخش کلان ساکنان کشور به کمک‌های خارجی شدیداً وابسته است. خلاف آن‌چه طالبان در اوایل تبلیغ می‌کردند، فساد نه تنها از بین نرفته بلکه به اشکال خطرناک‌تری در حال گسترش است، طوری که افراد زورمند بدون هیچ‌گونه نظام پاسخ‌گویی، مشغول انحصار و حیف و میل منابع محدود کشور اند. مشکلات امنیتی اگرچه به دلیل خروج عساکر خارجی و حذف یکی از طرف‌های داخلی جنگ، کاهش یافته، اما حاکمیت طالبان ناامنی را به اشکال و ابعاد تازه به خانه‌ها و محلات اقلیت مختلف انتقال داده است. اکنون مخالفان طالبان در هراس و تهدید دائم به سر می‌برند، ده‌ها هزار تن تاکنون زندانی و شکنجه شده‌اند و هزاران نفر دیگر به قتل رسیده‌اند. ناامنی روانی، شغلی، سیاسی و جنسیتی بیشتر جامعه را فلج کرده است. داستان زنان افغانستان، امروز به تلخ‌ترین تراژدی بشری در سطح جهان بدل شده است. نیم پیکر جامعه، از همه حقوق محروم گردیده و با سرکوب و حذف همه جانبه از زنده‌گی اجتماعی مواجه شده‌اند. باوجود وضعیت ویژه زنان، مردان نیز با ستم‌های گوناگون مواجه بوده و حقوق‌شان شدیداً محدود گردیده است. در حاکمیت طالبان نه تنها دستاوردهای حداقلی، بریده بریده و مقطعی را که در بیش از یک قرن در زمینه حقوق زنان بدست آمده بود نابود کرد بلکه دختران و زنان وطن ما زیر تسلط این گروه عقب‌مانده از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی که حتی در روستاها و مناطق دور افتاده طی سده‌ها از آن‌ها برخوردار بوده‌اند اکنون در شهرها محروم شده‌اند. حقوق زنان در همه ساحات زنده‌گی از جمله آموزش، آزادی، گشت‌وگذار، بیان، تجمع مسالمت‌آمیز، اشتغال، مشارکت سیاسی، صحت و بهداشت به شدت محدود گردیده است. این اقدامات ضد انسانی مغایر همه تعهدات بین‌المللی می‌باشد که کشور ما به اجرای آن‌ها در گذشته متعهد شده است. افغانستان بعد از استقلال به‌هیچ‌یک عضو جامعه بین‌المللی تعداد زیاد معاهدات بین‌المللی را تصویب نموده و به آن‌ها متعهد شده است؛

لذا مکلفیت دارد تا به مندرجات آن پابند باشد. هیچ گروهی حق ندارد با تسلط استبدادی بر کشور از آن تعهدات سرپیچی کند، مخصوصاً گروهی که از راه تروریزم و معامله با قدرت‌های خارجی اداره کشور را غصب کرده باشد، و با اتکا به دسته‌ای از جنگ‌جویان، بدون توجه به دیدگاه‌ها و نیازهای مردم، معیارهای دموکراتیک و حقوق بشری را با اتهام "غیراسلامی" نفی نماید.

افغانستان منشور ملل متحد را امضاء کرده و از همان سال‌های نخست تصویب اعلامیه حقوق بشر، پابندی خود را به آن سند مهم جهانی اعلام نموده است. منشور ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ به تصویب رسید. یکی از اهداف آن منشور عملی نمودن "حقوق برابر زن و مرد و منع تبعیض بر اساس جنسیت" است. به تعقیب آن اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ تصویب گردید و بر اساس آن برابری زن و مرد چون اصل جهانی اعلام شد.

افغانستان به دو کنوانسیون عمده حقوق بشر، یعنی کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز الحاق نموده است. در هر دو کنوانسیون یادشده مساوات زن و مرد تاکید گردیده و برابری جنسیتی را در همه عرصه‌های زنده‌گی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فزیک‌ال الزامی دانسته شده است. این کنوانسیون‌ها به‌اضافه اعلامیه جهانی حقوق بشر که در بالا ذکر شده جمعاً به‌نام منشور حقوق بشر (Bill of Human Rights) یاد می‌گردد.

کنوانسیون حقوق سیاسی زنان به تاریخ ۷ جولای ۱۹۵۴ نافذ گردید و افغانستان به تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۶۶ به آن الحاق نمود. یک تعداد زیاد کشورهای اسلامی به شمول تمام کشورهای آسیای میانه، پاکستان، مصر، اندونیزیا و ترکیه عضویت آن را دارند. این کنوانسیون حکومت‌های عضو را ملزم به حمایت از حقوق سیاسی شهروندان و بر طبق آن زنان مثل مردان از حق رای و حق انتخاب شدن، و صلاحیت تصدی سمت‌های سیاسی برخوردار باید باشند.

سند مهم بین‌المللی دیگری در مورد حقوق زن تحت عنوان "کنوانسیون الحاق کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" می‌باشد که به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب و به تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ نافذ گردید. تمام اعضای ملل متحد به شمول افغانستان، به استثنای ۶ کشور، به آن الحاق نموده‌اند. کشورهایی مثل عربستان، قطر، امارات متحده عربی، پاکستان از جمله اعضای آن کنوانسیون‌اند. در جمله‌ی ۶ کشوری که آن کنوانسیون را تصویب نکرده دو کشور اسلامی ایران و سومالی قرار دارند.

طوری که تذکر یافت این کنوانسیون خیلی جامع بوده و حقوق زنان را در تمام ساحات زنده‌گی مدنی، سیاسی و اقتصادی تضمین می‌نماید. افغانستان به صلاحیت دیوان بین‌المللی عدالت در مورد اجرا و تفسیر این کنوانسیون موافقت نموده است.

کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ نافذ و تا به حال ۱۹۶ کشور به شمول افغانستان به آن الحاق نموده‌اند. این کنوانسیون دارای ده پروتوکل است از جمله حقوق همبستگی فامیلی، حق صحت، حق آموزش و تحصیل، حق مصئونیت از سوء استفاده جنسی و منع خرید و فروش، منع سربازی اجباری کودکان زیر ۱۸ سال، و منع ازدواج کودکان. بر وفق این کنوانسیون هر انسان کم‌تر از ۱۸ سال کودک شمرده می‌شود.

کنوانسیون علیه شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده به تاریخ ۲۶ جون ۱۹۸۷ نافذ گردید و ۱۷۴ کشور از جمله افغانستان شامل آن می‌باشند. افغانستان به تاریخ اول اپریل ۱۹۸۷ آن را تصویب نموده و به آن الحاق نمود. در این کنوانسیون شکنجه عبارت از عمل عمدی است که به وسیله آن درد یا رنج جسمی یا روحی به منظور کسب اطلاعات یا اعترافات از جانب مامور رسمی دولت یا کسی اعمال می‌گردد که در سمت رسمی عمل می‌کند یا با تحریک و سکوت او اجرا می‌گردد. امروز در افغانستان حاکمیت طالبان جزاهای ظالمانه و تحقیرکننده را بر اقشار مختلف اعمال می‌کند.

خلاصه طالبان به صورت علنی و عملی ضدیت‌اش را با مندرجات میثاق‌های متذکره اعلام و اجرا می‌کنند؛ بسیاری حقوق مردم را نقض می‌نمایند از جمله حقوق حیات، آزادی، احترام به کرامت انسانی، برابری زن و مرد، شخصی بودن جرم، رای دادن و کاندید شدن، آزادی بیان، تاسیس جمعیت‌ها و احزاب، اجتماعات و تظاهرات، محرمیت مسکن و مراسلات و همچنان منع جزاهای خلاف کرامت انسانی، بی‌اعتباری اقرار اجباری متهم، حق داشتن وکیل مدافع که همه در کنوانسیون‌هایی متعدد پیش‌بینی گردیده اند و افغانستان به آن‌ها متعهد شده است.

گروه طالبان به هیچ ارزش انسانی و بشری احترام قایل نبوده و منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر را همه روز نقض می‌نماید. آنان به تعقیب، دست‌گیری و شکنجه منتقدان، محدودیت آموزش، کار و گشت‌وگذار زنان و دختران (اپارتاید جنسیتی)، قتل‌های فراقانونی نیروهای امنیتی و اقلیت‌ها دست می‌زنند. قانون جدید مربوط به امر به معروف و نهی از منکر شرایط خیلی غیرانسانی‌تر از آن‌چه را تا حالا شاهد بوده‌ایم پیش روی مردم قرار داده و عرصه زنده‌گی را برای افغان‌ها سخت‌تر و تنگ‌تر ساخته است. طالبان محدودیت‌های بی‌سابقه‌ای را بر پوشش و ظاهر شهروندان و رفتارشان وضع کرده اند. از جمله در این قانون آواز زن عورت خوانده شده و به زنان دستور داده‌اند که میان جمع آواز نخوانند، نعت نخوانند و قرآن تلاوت نکنند. در جایی از آن قانون آمده است که محتسبان امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارند مانع بیرون شدن صدای زن و موسیقی از خانه و مجلس شوند. یعنی طالبان قصد دارند زنان را در خانه نیز از بلند کردن صدای‌شان محروم سازند. این دساتیر بدون هیچ تردید ضدبشری و مخالف کرامت انسانی است.

هیچ گروهی حق ندارد که وقتی قدرت را تصاحب می‌کند، تعهدات بین‌المللی کشور را نقض کند، بخصوص در زمینه حقوق بشر که از جمله "حقوق اجباری" (Jus Cogens) بوده و حکومت‌ها حتی اگر تعهد نسپرده باشند، مکلف به اجرای آن‌ها اند (ماده ۵۳ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات).

حالا اداره طالبان که در نقض حقوق بشر مانند ندارد، با پرویی تمام خواستار رسمیت بین‌المللی و کسب کرسی افغانستان در سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌ها می‌باشد. گروهی که به تعهدات بین‌المللی پابند نیست، شایسته کسب کرسی نماینده‌گی کشور ما نیز نمی‌باشد. انتظار می‌رود جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی هرگز به این گروه فرصت ندهند که اداره ضدبشری خود را رسمیت بخشند و نماینده‌گی رسمی ملت ما را در نهادهای بین‌المللی بدست گیرند.